

The quality of text coherence in the manuscript of Qustās al-Atebbā Nuruddin Mohammad Abdallah Shirazi based on Halliday's theory

1- Mohammad Afrasiabipour¹; 2- Zahra Rafiei² (corresponding author); 3- Seyed Mahmoud Seyed Sadeghi³

Abstract

Linear versions of medical manuscripts are valuable not only for their scientific content but also for their linguistic structure and textual coherence. This article examines the textual coherence quality in the linear version of "Qasas al-Atibba" by Nur al-Din Muhammad Abdallah Shirazi based on Michael Halliday's theory of textual coherence. This research aims to analyze the syntactic and lexical coherence tools used in the text and evaluate the quality of this coherence. The research method includes content analysis and the use of Halliday's model of textual coherence. Elements and strategies for creating coherence in the mentioned linear manuscript are extracted and analyzed with various examples. The results indicate that this linear version represents various dimensions of the medical author's information and is highly coherent and cohesive, with several elements and strategies playing a significant role in creating coherence. This study demonstrates that textual coherence in ancient linear versions, especially in medical texts, plays a crucial role in understanding and interpreting these texts correctly. The findings of this research can serve as a foundation for further studies in linguistics, history, culture, and in the restoration and preservation of historical texts.

Keyword: Manuscripts, textual coherence, Halliday's theory, Qestas al-Atba, Nuruddin Mohammad Abdallah Shirazi, medical texts, qualitative content analysis.

Sources

Book

1- Afrāsiābipour, Mohammad (2013), "Qestās al-Atbā by Nuruddin Mohammad Shirāzi, an Irāniān physiān of Indiān court during the Safavid era".

¹ - PhD Student in the Department of Persian Language and Literature Faculty: Faculty of Humanities University, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

² - Assistant Professor in the Department of Persian Language and Literature Faculty: Faculty of Law and Humanities University: Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran . (corresponding author): za.rafeie@iaa.ac.ir

³ - Assistant Professor in the Department of Persian Language and Literature Faculty: Faculty of Humanities University: Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran: seyedsadeghi.mahmood@iaubushehr.ac.ir

- 2- _____ (2013) Qustās al-Atebbā by Nooruddin Mohammad Shirāzi, an Irāniān physician of Indian court descent in the Safavid era", Irāniān medicāl history studies, Shirāz University of Medicāl Sciences.
- 3- Āghāgolzādeh, Ferdous (2012), Criticāl Discourse Analysis, Tehrān: Scientific and Cultural Publications.
- 4- Ishāni, Tāhereh (2015), the theory of cohesion and continuity and its application in the analysis of texts (ghazals by Hāfez and Saadi), Tehrān: Khwārazmi University Press.
- 5- Dād, Simā (2002), Dictionāry of Literary Terms, Tehrān: Morvārid.
- 6- Shafaei, Ahmad (1985), The Scientific Bāsis of Persian Grammar, Tehrān: Asātir.
- 7- Safavi, Kurosh (2004), From Linguistics to Literāture, Vol. 1, Nazm, Tehrān: Culture and Ārt Reseārch Institute.
- 8- _____ (2012), applied semantics, Tehrān: Hamshahri.
- 9- Mohājer, Mehrān and Nabavi, Mohammad (1998), Towārd the Linguistics of Poetry, Tehrān: Center.
- 10- Nur al-Din Mohammad Shirāzi, manuscript of Qestās al-Tebbā, Tehrān: Tehrān University Librāry, number 54.
- 11- Halliday, Michāel and Ruqieh Hassan (2015), language, texture and text (aspects of language in a socio-semiotic perspective), translated by Manshizadeh and Ishani, Tehran: Scientific.

Articles and theses

- 12- Afrasiabipour, Muhammad (2024), "Study on the stylistic characteristics of the book of Qustas al-Atebbā by Noor al-Din Mohammad bin Abdullah Shirazi", Bahar Adab, vol. 38, pp. 91-103.
- 13- Borumandi, Neda (2013), "Correcting the second part of the manuscript of Qestas-al-Taba by Nooruddin Mohammad Abdallah Shirazi", master's thesis, supervisor Seyyed Mehdi Khairandish, Payam Noor University.
- 14- Khairandish, Seyyed Mehdi and Bromandi, Neda (2015), "Investigating the status of Nouruddin Shirazi, the author doctor, in India", Aligarh International Conference on Oriental Studies and Iranian Studies, India
- 15- Zare Kohn, Masoumeh, Daneshgar, Azar (2016), "Examination of temporal deviation in the collection of stories by Ghazaleh Alizadeh (from the book with Ghazaleh to nowhere), the specialized quarterly of interpretation and anālysis of texts of Persian language and literature (Dehkhodā), vol. 34, pp. 179-202.
- 16- Abbāsi, Mahmoud et al. (2012), "Lexuāl cohesion in the surrealist text of Buf Kor bāsed on Halliday and Hassan's theory", Journāl of Linguistic Studies, vol. 4, pp. 283-308.
- 17- Ajmi, Ruqiyeh, et āl. (2024), "Investigation of the literāry style chāacteristics of Bitāl Ajam's book from the perspective of the science of expression", Journāl of Compāratve Literature, Vol. 25, pp. 1-38, 10.30495/rpcl.2023.707148

18- olāmosseinzādeh, Gholām Hossein and Hāmed Nowrozi,(1992) "The role of personāl reference and allusion in the coherence of Persian prose poetry", Literāry Research Quārterly, vol. 19, pp. 117-138.

19- Ghanbari, Dāwood et āl. (2023), "Structurāl and discourse analysis of the starters in Najm-al-Din Zarkoub's Fatutnama based on Halliday's theory", Journāl of Compārative Literāture, Vol. 21, pp. 1-24. 10.30495/rpcl.2022.697243

20- Vafaei, Abbās Ali, Esperham,(2016) Dāwood, "Investigation of coherence and lexicāl relātions in the story of Giumert". Literāry reseārch text, vol. 73, pp. 29-52- <https://doi.org/10.22054/ltr.2017.8122>.



فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

دوره هشتم، شماره سی ام، زمستان ۱۴۰۳

کیفیت انسجام متن در نسخه خطی قسطاس الاطباء نورالدین محمد عبدالله شیرازی

بر اساس نظریه هالیدی

۱ - محمد افراسیابی پور^۱؛ ۲ - زهرا رفیعی^۲ (نویسنده مسئول)؛ ۳ - سید محمود سید صادقی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۲۱

(صص ۱۶۳-۱۹۰)

چکیده

نسخه‌های خطی پزشکی نه تنها به دلیل محتوای علمی خود، بلکه از نظر ساختار زبانی و انسجام متنی نیز ارزشمندند. در این مقاله، کیفیت انسجام متنی در نسخه خطی قسطاس الاطباء نورالدین محمد عبدالله شیرازی بر اساس نظریه انسجام متنی مایکل هالیدی بررسی شده است. این پژوهش با هدف تحلیل ابزارهای انسجام دستوری و واژگانی به کار رفته در متن و ارزیابی کیفیت این انسجام صورت گرفته است. روش تحقیق شامل تحلیل محتوا و استفاده از مدل انسجام متنی هالیدی است. در این پژوهش عناصر و شگردهای ایجاد انسجام در متن نسخه خطی مذکور، استخراج و با شاهد مثال‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که این نسخه خطی، بیانگر ابعاد مختلفی از اطلاعات علم پزشکی نویسنده است و متنی بسیار منسجم و یک‌پارچه است؛ به گونه‌ای که تعدادی از عناصر و شگردهای منسجم کننده متن، نقش مهمی را در ایجاد انسجام دارند. این تحقیق نشان می‌دهد که انسجام متنی در نسخه‌های خطی قدیمی، به ویژه در متون پزشکی، نقش

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران
da.mohammadafrassiabipur@iaubushehr.ac.ir

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
(نویسنده مسئول): ایمیل . za.rafeie@iau.ac.ir

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران
seyedsadeghi.mahmood@iaubushehr.ac.ir

مهمی در درک و تفسیر صحیح این متون ایفا می‌کند و ماحصل این پژوهش، می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای تحقیقات بیشتر در زمینه‌های زبان‌شناسی، تاریخ و فرهنگ و همچنین در بازسازی و حفظ متون تاریخی باشد.

کلیدواژه‌ها: نسخه‌های خطی، انسجام متنی، نظریه هالیدی، قسطاس الاطباء، نورالدین محمد عبدالله شیرازی، متون پزشکی، تحلیل محتوای کیفی.

۱-مقدمه

نظریه انسجام متنی مایکل هالیدی یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های نظری در تحلیل انسجام متنی است. این نظریه به بررسی ابزارهای انسجام دستوری و واژگانی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه اجزای مختلف یک متن به هم پیوسته و منسجم می‌شوند تا معنای کلی متن را شکل دهند. «امروزه علم زبان‌شناسی و نظریه‌های متن‌شناسی و معناشناسیک آن راهکارهای مناسبی جهت تحلیل گفتمان متون و کشف ناگفته‌های اندیشگانی و معرفتی مستتر در بافت متن را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد» (قنبری، ۱۴۰۱: ۸). انسجام متنی به‌عنوان یکی از اصول اساسی در تحلیل متون، نقش مهمی در فهم و تفسیر این‌گونه آثار ایفا می‌کند. به‌نحوی که در متون پزشکی قدیمی، علاوه بر اینکه به فهم بهتر مطالب علمی کمک می‌کند، می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در مورد ساختارهای زبانی و سبک نویسندگی ارائه دهد.

انسجام متنی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در فهم و تفسیر متون باعث می‌شود، اجزای متن به هم مرتبط و به یکدیگر پیوسته شوند. این پیوستگی و هم‌بستگی بین اجزای متن به خواننده کمک می‌کند تا مفهوم و محتوای علمی متن را بهتر درک کند. ابزارهایی مانند ارجاع، حذف، ربط و جایگزینی که نقش مهمی در ایجاد پیوستگی دستوری در متن دارند. بررسی این ابزارها نشان می‌دهد که چگونه، نویسنده، توانسته است اجزای مختلف جمله‌ها و پاراگراف‌ها را به هم مرتبط کند. ابزارهایی مانند تکرار، هم‌معنایی و تضاد که به انسجام واژگانی متن کمک می‌کنند. این ابزارها نقش مهمی در ایجاد پیوستگی معنایی دارند و باعث می‌شوند مفاهیم علمی به‌صورت پیوسته و مرتبط ارائه شوند.

۱- بیان مسئله

متون خطی به‌ویژه در حوزه‌های علمی از گنجینه‌های با ارزش فرهنگی و علمی به شمار می‌روند که به ما امکان می‌دهند تا به درک بهتری از تاریخ علم و دانش برسیم. همچنین «نسخه‌های خطی آثار ارزشمندی است که به لحاظ تاریخی، هویتی، مذهبی و فرهنگی تبیین‌گر بخش مهمی از حیات یک کشور هستند» (عجمی، ۱۴۰۲: ۴). یکی از این متون خطی، قسطاس الاطبا، نوشته نورالدین محمد عبدالله شیرازی است که در زمینه پزشکی نگارش یافته و نمایانگر دانش پزشکی و زبانی دوره خود است. این اثر از لحاظ محتوایی و ساختاری دارای اهمیت ویژه‌ای است، چرا که علاوه بر انتقال دانش پزشکی، بیانگر ساختارهای زبانی و سبک نگارش علمی دوره خود نیز است.

نویسنده در این پژوهش، عناصر و شگردهای ایجاد انسجام در متن نسخه خطی استخراج و با شاهد مثال‌های مختلف مورد تحلیل قرار داده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که این نسخه خطی ابعاد مختلفی از اطلاعات علم پزشکی نویسنده را در بردارد و متنی بسیار منسجم و یک‌پارچه است و تعدادی از عناصر و شگردهای منسجم‌کننده متن، نقش مهمی را در ایجاد انسجام دارند. همچنین نویسنده درصدد آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که کیفیت انسجام متنی نسخه خطی قسطاس الاطبا چگونه است؟ و ابزارهای انسجام دستوری (مانند ارجاع، حذف، ربط و جایگزینی) و عواملی (مانند تکرار، هم‌معنایی و باهم‌آیی) در قسطاس الاطبا چگونه به کار رفته‌اند؟

۱-۲- روش پژوهش

تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا و به‌کارگیری ابزارهای نظریه هالیدی، به بررسی انسجام متنی در نسخه خطی قسطاس الاطبا می‌پردازد. ابتدا متن نسخه خطی به‌دقت مطالعه و ابزارهای انسجام متنی شناسایی شده و سپس با استفاده از مدل هالیدی، این ابزارها تحلیل و کیفیت انسجام متنی ارزیابی شده است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

محمد افراسیابی پور (۱۳۹۳)، در مقاله «قسطاس الاطبا اثر نورالدین محمد شیرازی، پزشک ایرانی تبار دربار هند در عصر صفوی»، به شرح احوال نویسنده و اوضاع عصر مؤلف و ویژگی های سبکی کتاب پرداخته است.

محمد افراسیابی پور (۱۴۰۲)، در مقاله ای با عنوان «بررسی ویژگی های سبکی کتاب قسطاس الاطباى نورالدین محمد بن عبدالله شیرازی»، به این نکته اشاره کرده است که در اثر یادشده علاوه بر بیان مسائل طبی و واژه های اصیل فارسی، اغلب، معادل های عربی، یونانی یا هندی نیز در آن درج شده و با توجه به ساختار علمی کتاب، از ویژگی های ادبی نیز برخوردار است. ویژگی های زبانی این اثر نیز به رغم فاصله زمانی نسبتاً طولانی از سبک نثر مرسل، همچنان با سبک نثر مرسل قابل انطباق است.

سید مهدی خیراندیش و ندا برومندی (۱۳۹۵) در مقاله همایشی با عنوان «بررسی جایگاه نورالدین شیرازی طبیب مؤلف در هند» به شرح زندگی نورالدین محمد شیرازی، مؤلف قسطاس الاطبا و دیگر آثار او پرداخته است.

ندا برومندی (۱۳۹۱) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تصحیح بخش دوم نسخه خطی قسطاس الاطبا اثر نورالدین محمد عبدالله شیرازی» پرداخته است. از این کتاب، سه نسخه در ایران موجود است؛ نسخه آستان قدس رضوی، دانشگاه تهران و مدرسه خان یزد. نسخه آستان به عنوان نسخه معتبر انتخاب و تصحیح بر اساس آن صورت گرفته است. آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش های یادشده می شود؛ این است که درباره کیفیت انسجام متن در نسخه خطی قسطاس الاطباى نورالدین محمد عبدالله شیرازی بر اساس نظریه هالیدی، پژوهشی صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار صورت گرفته است.

۱-۴- مبانی تحقیق

۱-۴-۱- متن

متن به عنوان یک واحد معنایی از اجزای مختلفی تشکیل شده است که به صورت جملات نمود پیدا می کنند. این اجزا در کنار هم یک کلیت منسجم را تشکیل می دهند که به مخاطب

امکان درک و تفسیر پیام مورد نظر را می‌دهد. به همین دلیل، بررسی رابطه بین جملات و متن به‌عنوان یک کل، اهمیت ویژه‌ای در تحلیل‌های زبانی و معنایی دارد. هالیدی و حسن در تعریف متن می‌گویند «متن مجموعه‌ای از جمله‌های مرتبط صورت‌بندی و یا تحقق‌عینی متن است. در نتیجه بیان کردن واحد معنایی یک متن به انسجام میان جمله‌ها بستگی دارد. از آنجایی که تولیدکننده متن از انسجام برای نشان دادن بافتار و دریافت‌کننده، از آن برای تعبیر متن، بهره می‌برد؛ اگر ما از انسجام به‌عنوان معیاری برای تشخیص مرزهای متن استفاده کنیم؛ منطقی خواهد بود» (هالیدی و حسن، ۱۹۹۵: ۴).

۱-۴-۲-انسجام

نظریه انسجام متن که توسط مایکل هالیدی و حسن، توسعه داده شده است، بر عوامل انسجام متمرکز است که به کمک آن‌ها، جملات در یک متن به هم مرتبط می‌شوند و یکپارچگی معنایی را ایجاد می‌کنند. این ارتباط در سطوح آوایی، نحوی و فکری شکل می‌گیرد؛ در سطح زبان، آنچه متن را از غیر متن متمایز می‌کند، روابط معنایی و منطقی است که بر اجزای تشکیل‌دهنده متن حاکم است. وجود این روابط معنایی، سبب می‌شود که اجزای تشکیل‌دهنده متن در قالب یک نظام واحد و یکپارچه، سازماندهی شود، «به این روابط منطقی و معنایی که در هیئت و مشخصه‌های صوری و زبانی تظاهر می‌کنند، روابط و ابزارهای انسجامی می‌گویند» (همان: ۴).

۱-۴-۳-زبان‌شناسی نقش‌گرا

بر اساس نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرا (Functional Linguistics) یکی از ویژگی‌های اصلی یک متن، داشتن انسجام است. به عبارت دیگر، هر متنی ممکن است دارای درجه‌های مختلفی از انسجام باشد؛ اما نمی‌توان گفت که متنی کاملاً فاقد انسجام وجود دارد؛ زیرا متنی که انسجام نداشته باشد، در واقع متن محسوب نمی‌شود.

زبان‌شناسی نقش‌گرا در مقابل زبان‌شناسی ساخت‌گرا قرار می‌گیرد که بیشتر بر ساختار و قواعد دستوری زبان تمرکز دارد. «زبان‌شناسی سیستمی نقش‌گرا، زبان را ابزاری برای انتقال مفاهیم و برقراری روابط اجتماعی می‌داند و بدین دلیل، زبان، بخشی از نظام اجتماعی است و این نظریه زیرمجموعه نظریه گفتمان اجتماعی قرار می‌گیرد. این نظریه زبان‌شناسی در

راستای تفسیری که از متن، نظام من و عناصر ساخت‌های زبانی ارائه می‌دهد، در سه معنای متمایز و البته همبسته نقش‌گراست» (مهاجر، مهران و محمد نبوی، ۱۳۷۶: ۱۷). هالیدی، رویکرد خود را نقش‌گرایی می‌خواند؛ زیرا «معتقد است که آراء او نسبت به زبان، بیشتر متکی بر نقش عناصر زبانی است تا صورت آن‌ها» (آقاگلزاده، ۱۳۹۰: ۸۸)، از آنجا که طبق شواهد موجود، فقط هالیدی و حسن روی موضوع انسجام کار کرده‌اند، تمام پژوهش‌هایی که در ایران انجام گرفته، به نظرات ایشان استناد کرده‌اند.

۱-۴-۴- انسجام واژگانی

در تعریف انسجام واژگانی گفته‌اند: «در واقع این نوع انسجام، مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایشان با یکدیگر دارند و متن به واسطه این روابط، می‌تواند تداوم و انسجام به خود بگیرد» (ایشانی، ۱۳۹۵: ۴۴). در این نوع از انسجام با انتخاب واژه‌هایی سروکار داریم که به طریقی به مطالب قبلی موجود در متن مرتبط‌اند و به صورت روابط هم‌معنایی، تضاد معنایی، شمول معنایی، تکرار، باهم‌آیی و رابطه جزء و کل نمود می‌یابد. انسجام واژگانی، محصول عملکرد بخش واژگان و نتیجه گزینش اقلام واژگانی است. «واژه به‌عنوان مهم‌ترین ابزار انتقال اندیشه و زبان نویسنده، نقش بسزایی در پیوستگی مطالب یک متن ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که نحوه کاربرد واژگان در یک متن، نوع متن و سبک صاحب اثر را آشکار می‌سازد؛ بدین دلیل که معنا از طریق واژگان منتقل می‌شود» (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴).

۱-۴-۵- نظریه انسجام از دیدگاه هالیدی و حسن

اولین بار هالیدی و حسن، در کتاب «cohesion in English» انسجام را چنین تعریف کرده‌اند: «انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به‌منزله متن از غیر متن جدا می‌کند» (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴). بخشی از این انسجام از طرق واژگان و بخشی دیگر از طریق نظام دستوری شکل می‌گیرد. «بخشی از خصوصیت متن، آن است که تنها مجموعه‌ای از جملات نامتصل نیست؛ بلکه فرآیندهایی است که به آن متنتیت گفته می‌شود. در زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان^۱، وحدت بین عناصر و بخش‌های متن،

ناشی از دو عنصر انسجام و پیوستگی یا چسبندگی است» (داد، ۱۳۸۱: ۵۵).

تمامی روابط بین جمله‌ای در یک متن که از طریق ابزار زبانی انجام می‌شود، از مسیر گره انسجامی می‌گذرد. «وجود عناصر انسجام در گره‌های انسجامی و شرکت آن‌ها در زنجیره‌ها به معنای پایان یافتن تحلیل انسجام نیست؛ بلکه بررسی تعامل داخلی این گره‌ها و زنجیره‌های انسجامی نیز ضروری است. بدین معنا که در ساخت یک متن، تنها عناصر دستوری یا واژگانی مد نظر نیستند؛ بلکه همبستگی و پیوستگی آن‌ها نیز مهم است» (ایشانی، ۱۳۹۵: ۵۹). یکی از عناصری که زبان‌شناسی نقش‌گرا به بررسی آن می‌پردازد، روابط انسجامی میان عناصر زبانی است. انسجام متن از طریق به هم پیوستن مجموعه‌ای از واحدهای زبانی است که هر کدام زنجیروار، عهده‌دار وظیفه خاص برای درک مفهوم معنایی متن و ایجاد متنی یکپارچه و منسجم است و سعی در القای حالات و عواطف شفاهی خود از طریق ابزار زبان به مخاطب خود دارد. زبان‌شناسی نقش‌گرا برخلاف زبان‌شناسی ساختارگرا از جمله فراتر رفته و به بررسی متن و فرا متن می‌پردازد. هالیدی، رویکرد خود را نقش‌گرایی می‌خواند، چرا که معتقد است؛ نظریه او بر نقش عناصر زبانی تکیه دارد نه به صورت و ساختار کلمات.

بحث و بررسی

۲- عوامل انسجام متن

۲-۱- انسجام دستوری

عوامل انسجام بخش متن که هالیدی و حسن معرفی کرده‌اند؛ برخی در دستور زبان تبلور می‌یابد و برخی دیگر در واژگان، انسجام دستوری خود به سه دسته ارجاع، حذف و جایگزینی تقسیم می‌شود.

۲-۱-۱- ارجاع

ارجاع به رابطه میان صورت‌های زبانی و مصداق‌هایی بازمی‌گردد که در جهان خارج وجود دارند. «البته در اینجا منظور ما از ارجاع، دلالت به چیزی در جهان خارج، مانند رابطه بین صورت واژگانی (صندلی) و مصداق آن در جهان اطراف نیست؛ بلکه ارجاع یک واحد واژگانی به واحد واژگانی دیگر است» (صفوی، ۱۳۸۳: ۶۴) به طوری که با ایجاد ارتباط بین جمله‌های یک متن، باعث انسجام متنی آن می‌گردد.

به نظر هالیدی و حسن، در متن، عناصری وجود دارند که تحت تأثیر عناصر دیگر قرار می‌گیرند، از جمله این عناصر، ضمیرها می‌باشند و با توجه به اینکه بعضی از کلمات در جمله، خاصیت ارجاعی دارند؛ یعنی علاوه بر اینکه مفهومی را منتقل می‌سازند به مفهومی دیگر نیز ارجاع می‌دهند. مفهوم دومی امکان دارد که در متن وجود داشته باشد یا خارج از متن باشد. ارجاع نوع اول را ارجاع درون‌متنی و ارجاع نوع دوم را ارجاع برون‌متنی می‌گویند.

۲-۱-۱-۱- ارجاع برون‌متنی

ارجاع برون‌متنی یا ارجاع بینامتنی، به‌نوعی از ارجاع گفته می‌شود که در آن متن به متون دیگر اشاره می‌کند. این نوع ارجاع به خواننده کمک می‌کند تا با درک بهتر و عمیق‌تری از متن، به محتوای بیشتری دست یابد و مفاهیم را در قالب گسترده‌تری مورد بررسی قرار دهد؛ مثلاً در متن زیر: «ناطوره مدرکات خود را به مشاطگی مداد و قلم به آرایش حُل خط و زیور اعراب و نقط پیراسته، از طیلسان احتجاج و تتق نقاب برآورده، مسمی به قسطاس الاطباء، به ترتیب حروف تهجی، منطوی به بیست و هفت تعلیق که از آن، حرف نخستین مراد است» (نورالدین شیرازی: ۲۶). در این جمله‌ها، مرجع ضمیر آن حرف نخستین، «حرف الف» است که از ارجاعات برون‌متنی به شمار می‌آید.

۲-۱-۱-۲- ارجاع درون‌متنی

ارجاع‌های درون‌متنی به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که همگی از نظر دستوری تقسیم‌بندی شده‌اند، زیرا که خاصیت ارجاعی این مقوله‌ها، در دستور زبان نمود می‌یابد. در کتاب قسطاس الاطباء، ارجاع درون‌متنی با بسامد کم به کار رفته است. با توجه به شرح و توصیف اصطلاحات پزشکی، این عامل از عوامل مهم و مؤثر در ایجاد انسجام متن در این کتاب است. ارجاع در متن این کتاب، باعث پیوند و انسجام جمله‌ها و گفتارها شده است. در این کتاب ۳۲۵ جمله، مرجع ضمیر در جملات قبل و بعد به کار رفته است.

۲-۱-۱-۳- ارجاع به ماقبل

در ارجاع به ماقبل، برای پی بردن به مرجع ضمیر و منظور نویسنده، باید به جملات و عناصر قبل از ضمیر رجوع کرد. در نسخه خطی مذکور اکثر ارجاع‌ها بدین گونه است. «بلغم طبیعی،

خلطی است سرد و تر، سفید مایل به شیرینی و آن رطوبتی است خام که حرارت و قوت معده، آن را نگواریده باشد و تواند که چون حرارت اصلی و قوت گوارنده، قوی تر گردد، بگوارد و غذا شود» (عبدالله شیرازی: ۱۳۷). در مثال فوق، مرجع ضمیر آن، بلغم طبیعی است.

۲-۱-۱-۴-ارجاع به مابعد

ارجاع به مابعد که با نام «ارجاع پیش‌نگر» یا «ارجاع آینده‌نگر» نیز شناخته می‌شود، نوعی از ارجاع در متن است که در آن نویسنده به قسمتی از متن که در ادامه خواهد آمد، اشاره می‌کند. این نوع ارجاع، معمولاً برای هدایت خواننده به سوی مباحث یا بخش‌های مهمی که قرار است در متن بعدی مطرح شود، به کار می‌رود. بسامد این‌گونه ارجاع در قسطاس الاطباء، بسیار کم است. «در این نوع ارجاع، ابتدا ضمیر ذکر می‌شود و بعد مرجع آن می‌آید. «هرگاه خواهند آتش بیفروزند، آن ظرف پر آتش کنند تا گرم شود و بخار آب بر آتش بوزد، آتش افروخته شود و این از مخترعات حکیم جالینوس است و آن را دمه نیز گویند و به تازی حره متقیه خوانند.» (نورالدین شیرازی: ۲۹). در این مثال، مرجع ضمیر آن در عبارت بعدی (دمه) آمده است. کاربرد این نوع ارجاع در متن این کتاب، سبب شده که مطالب متن به هم مرتبط شود و متن یکپارچه تر گردد. «مثلاً و هرگاه که خواهند، به گردش، آتش کنند تا از گرمی به آن ظرف رسد؛ اما آن قدر نشود که به سوزش گراید. بعد از آن، آدمی در آن ظرف درآید و بر آن کرسی نشیند و بپوشند سر آن ظرف را به همان هر دو نصف پرده، به طریقی که سر آن از این پرده و ظرف بیرون باشد و ساعتی توقف شود تا عرق کند، بعد از آن برآید» (همان: ۳۰).

۲-۱-۲-جایگزینی

جایگزینی یکی از ابزارهای انسجام متن است که به ویرایش متن با تغییر کلمات یا عبارات کمک می‌کند تا مفهوم کلی متن حفظ شود. این ابزار معمولاً در تولید متون، بهینه‌سازی محتوا یا در بهبود خوانایی و قابلیت فهم متون استفاده می‌شود. در تعریف جایگزینی آمده است: «قرار گرفتن یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر؛ یعنی یک کلمه یا عبارت، جایگزین کلمه یا عبارت دیگر می‌شود» (صفوی، ۱۳۸۲: ۸۸). با توجه به اینکه نثر کتاب قسطاس الاطباء، مرسل است، نویسنده با استفاده از شیوه اطباب به توصیف اصطلاحات پزشکی پرداخته است.

به همین علت کمتر از این ابزار انسجامی استفاده کرده است. جانشینی به چهار شکل در فعل، اسم، پاراگراف و جمله است.

۲-۱-۲-۱-جانشینی فعل

گاهی یک عنصر به جای فعل در جمله قرار می‌گیرد. این عنصر می‌تواند یک فعل دیگر باشد یا یک عنصر دیگری که با فعل ارتباط دارد. این وضعیت، همانند استفاده از اسم، باعث می‌شود که خواننده برای درک معنای عنصر جانشین به فعل اصلی جمله مراجعه کند. این ارتباط کمک می‌کند تا بخش‌های مختلف متن به یکدیگر متصل شده و به انسجام کلی متن کمک می‌کند. «ابداع، به کسر اوّل و سکون ثانی با دال مهمله و الف و عین مهمله: نام مشترکی است که از او دو چیز، فهم‌توانند کرد: یکی بنهادن چیزی باشد نه از چیزی به واسطه، چون نهادن علم‌ها و عمل‌ها و چون عقل که از باری تعالی آمد.» (نورالدین شیرازی: ۳۸). در این نمونه «نه» جانشین فعل «نیست» شده است.

۲-۲-۱-۲-جانشینی موضوعی یا بندی

جانشینی موضوعی یا بندی به‌عنوان یکی از روش‌های انسجام متن، به جایگزین کردن یک موضوع یا عبارت با موضوع یا عبارت دیگری که به‌نوعی به آن مرتبط است؛ اشاره دارد. این روش می‌تواند به بهبود جریان و پیوستگی متن کمک کند. مثل: «پدرش از اعظم بلخ است که از متصدیان و عمالان آنجا بود و در زمان امیر ملک الشرق نوح بن منصور سامانی به‌جانب بخارا شتافت و مشغول شد به عمل دیهی خرمین نام، از مضافات بخارا که بزرگ‌ترین دیهات آنجاست و در دیه افشنه که قریب آن دیه بود، به زنی ستاره نام، کدخدا شد و از آن زن، بوعلی متولد شد. در همان دیه، در ماه صفر سنه سیصد و هفتاد و دو، محمود، برادر او بعد از او به پنج سال متولد شد. پس از آنجا باز به بخارا انتقال نمود و بوعلی را به دبستان، جهت اکتساب علوم و کسب کمال برنشاند.» (نورالدین شیرازی: ۴۱). در عبارت فوق موارد مشخص شده، جانشین عبارات و ترکیبات قبلی شده است. در این کتاب انواع جایگزینی ۴۲۸ جمله به کار رفته است.

۲-۱-۳-حذف

حذف یکی از ابزارهای انسجام متن است که به‌وسیله آن، برخی از واژه‌ها یا بخش‌هایی از جمله حذف می‌شوند؛ زیرا این قسمت‌ها از قبل در متن آمده‌اند و بازآوردن آن‌ها ضرورتی

ندارد. حذف به جلوگیری از تکرار بیهوده و اضافی کمک می‌کند و متن را روان‌تر و فشرده‌تر می‌سازد. «حذف یک پیوند درون‌متنی است و در بیشتر موارد، عنصر پیش‌انگاشته در متن قبلی وجود دارد» (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۱۴۴). حذف به سه نوع اسمی، فعلی و بندی تقسیم می‌شود. همچنین حذف در متن، به قرینه معنوی یا لفظی صورت می‌گیرد. احمد شفایی درباره ضرورت حذف در جمله می‌گوید: «تشکیل جملات ناقص از ضروریات کلام سلیس است. وقتی ذکر عضو و اجزایی از جمله به دلیل وجود قرینه، لزومی نداشته باشد، مسلم است که کاربرد آن عضو به سلاست و روانی کلام خدشه وارد می‌سازد» (شفایی، ۱۳۶۳: ۱۹۰).

با توجه به مطالب فوق، این‌گونه برداشت می‌شود که نتیجه انسجام متن، سلاست و روانی کلام است و انسجام متن، باعث روانی کلام می‌شود؛ بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که انسجام متن، از عوامل اساسی حذف است. با بررسی انواع حذف در کتاب قسطاس الاطبا، مشخص می‌گردد که مؤلف در سراسر کتاب خود، با کاربرد آن به‌عنوان یکی از روش‌های زبانی، زمینه وحدت زیبایی و معنایی را برای متن خویش فراهم آورده است.

۱-۳-۱-۲- حذف به قرینه لفظی

حذف به قرینه لفظی آن است که کلمه یا عبارتی در جمله پیشین و یا پسین بیاید و نویسنده یا شاعر به خاطر آمدن آن کلمه، دیگر آوردن کلمه را لازم نبیند و آن را حذف کند. «برای پرهیز از تکرار لفظی ایجاد می‌شود. این حذف سبب ایجاز می‌شود؛ اما به دلیل وجود لفظ مشابه درنگ و تأملی در دریافت معنا ایجاد نمی‌شود.» (زارع کهن، ۱۳۹۶: ۱۹۴).

موارد حذف به قرینه لفظی

۱- حذف فعل معین به قرینه لفظی در جملات هم‌پایه و متوالی
«آب: جسمی است، بس گران، سرد و تر و شفاف و متحرک و اگر ساکن باشد، از مانعی باشد و جایش بالای زمین و در کرویت ناقص از جمیع عناصر و چون مشروب از سته ضروریه است، انسان و حیوان را به نوشیدن آن حاجت است» (نورالدین شیرازی: ۲۷)، در جملات فوق افعال به قرینه لفظی حذف شده است. حذف فعل معین از پر بسامدترین موارد حذف در این اثر است و ۷۶۷ جمله فعل معین حذف شده است.

۲- حذف نهاد به قرینه شناسه در اول شخص

«فرمود ابی الخیر: (تو) تصنیفی ساخته در ابطال علم طب و (تو) همیشه زیر بالین خود داری و (تو) باز محتاج می شوی به طب. (من) چگونه در علاج تو کوشم با این اعتقاد بطلان تو در این علم؟ پس او اعتراف نمود به بطلان کلام و تصنیف ناتمام خود و (او) پاره ساخت آن تصنیف خود را و از آن عقیده نادرست باز آمد» (نورالدین شیرازی: ۳۶).

۳- حذف نهاد(اسم)

«أبهر، به فتح اول و سکون ثانی و فتح‌ها: به قول صاحب قاموس، رگی است در پشت. ورید گردن و به قول صاحب صحاح، [ابهر] رگی است که هرگاه آن رگ بریده شود، بمیرد صاحب او و آن دواند، مسمی به ابهران که رسته‌اند از دل، پس منشعب می‌شوند از آن‌ها، سایر شرایین و به قول مولانا نفیس، [ابهر] شریانی است که جاری می‌شود در او روح از دل به سوی جمیع بدن» (نورالدین شیرازی: ۳۶).

۴- حذف قسمتی از جمله

«احوال، به فتح اول و سکون ثانی با واو و الف: به اصطلاح عام، اطلاق می‌کنند بر هر عارضی؛ به اصطلاح اطباء، اطلاق می‌کنند بر سه چیز: صحت و مرض و حالت سیوم [اطلاق می‌کنند بر] میان مرض و صحت. پس به این حیثیت، اسباب و علامات نباشد از احوال» (نورالدین شیرازی: ۴۶).

۵- حذف مضاف‌الیه

«پس او اعتراف نمود به بطلان کلام و تصنیف ناتمام خود و پاره ساخت آن تصنیف خود را و از آن عقیده نادرست [خود] باز آمد» (نورالدین شیرازی: ۳۶) حذف نهاد ضمیر در ۲۴۴ جمله و حذف نهاد اسم در ۲۲۱ جمله صورت گرفته است. حذف بخشی از جمله نیز در ۴۵ جمله دیده شده است و حذف مضاف‌الیه ۵۸ مورد است. در همه موارد فوق، حذف، نشان‌دهنده ارتباط و پیوستگی جملات متن است و ارتباط قسمت‌های مختلف متن مقتضی حذف شده است.

۲-۳-۱-۲- حذف به قرینه معنوی

حذف به قرینه معنوی یکی از ابزارهای انسجام متنی است که در آن، بخشی از جمله یا واژه‌ای حذف می‌شود، زیرا معنا و مفهوم آن از قبل در متن یا بافتار کلی جمله، قابل درک است. این نوع حذف به خواننده اجازه می‌دهد تا با بهره‌گیری از دانش قبلی و قرینه‌های

موجود در متن، معنای کامل جمله را درک کند، بدون اینکه نیازی به ذکر صریح همه جزئیات باشد. با توجه به توضیحات فوق، هرچه قدر بتوان در کلام، حذف بیشتری انجام داد، انسجام متن و در نتیجه ارتباط اجزای کلام بیشتر می‌گردد. حذف باعث می‌گردد، خواننده سعی کند، مطلب قبلی را در ذهن خود تداعی کند و با بخش‌های دیگر متن، مرتبط سازد. این عمل سبب می‌شود، خواننده با متن بیشتر درگیر شود و بین خواننده و نویسنده، تعامل بیشتر برقرار گردد.

از نظر هالیدی و حسن، حذف، پدیده‌ای نحوی است که باعث جلوگیری از اطناب و حشو در کلام می‌شود. حذف باعث می‌شود تا خوانند با کمک دیگر بخش‌های جمله، واژه‌های محذوف را بفهمد؛ بنابراین مطلب حذف شده چه به صورت لفظی و چه به صورت معنوی قابل درک است. حذف اجزای جمله، باعث جلب توجه خواننده به مطالب نو و سبب وضوح بخشیدن به دیگر اجزای جمله و برداشتن اطلاعات کهنه و بی‌نقش است. در قسطاس الاطباء، حذف با انحای گوناگون به کار رفته است و حذف فعل «است»، از بسامد بسیار بالایی برخوردار است.

«(من) از مبادی انکشاف صبح تمیز، همگی اوقات [خود را] مصروف جست و جوی نکات این علم شریف مشعوف [کرده‌ام] و [مشغول] گفتم و گوی کلمات چنین فنّ منیف بوده (ام)، تتبع کناشات سابق و کتابات لاحق پیش نهاد طبیعت و فطرت داشت (ه ام)» (نورالدین شیرازی: ۲۵).

مؤلف با استفاده از حذف و با مهارت و هنرمندی، مطالب مختلف، اندیشه‌های درونی خود را به تصویر کشیده است و به توصیف چگونگی تألیف اثر خود پرداخته و کلام خود را یکپارچه و منسج ساخته است.

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲-۲- عناصر انسجام و آژگانی

۲-۲-۱- تکرار

۲-۲-۱- تکرار موسیقایی

با توجه به اینکه کتاب قسطاس الاطباء، متن علمی در حوزه پزشکی است، به جز در آغاز ابواب و مقدمه کتاب که به نثر موزون و مسجع نوشته شده است؛ کاربرد تکرار موسیقایی، بسیار نادر است.

تکرار موسیقایی و یا آوایی در این اثر، با تکرار صامت و مصوت آغاز می‌شود.

تکرار صامت «س»

«زینت افتتاح فرهنگ حکمت طبیعی، سپاس بی‌قیاس و ستایش والاساس حکیم علی الاطلاق است» (نورالدین شیرازی: ۲۴).

تکرار صامت «ت»

«که به محض حکمت بالغه و عین قدرت کامله، منت علم طب و طبابت بر مفارق طبع و طبیعت نهاده» (همان: ۲۴).

تکرار مصوت «ل» و تکرار صامت «ث»

«از چگونگی سرائر بدایع و صنایع و دایع صنایع علیم به قدر وسع امکان، مطلع شده در جلب منافع و ازاله مضار مهما امکن سعی مشکور و جهد موفور نمایند» (همان: ۲۴).

«و باعث انبعاث نظام امور و احداث سرانجام مهما کافه جمهور به جز وسیلت مودت اهل قری و تبعیت اصحاب هدایت مآب و احباب مؤدب به آداب ندب و استحباب رضوان الله علیهم و اجمعین نیست و نباشد» (همان: ۲۴).

تکرار مصوت «آ»

«و رتبت کلام افادت انجام و منزلت ارقام منافع انتظام صلوات نامتناهیات است و تحیات زاکیات طبیب لیب است» (همان: ۲۴). در این کتاب، تعداد ۳۰۵ مورد؛ مصوت بلند «آ»، ۲۵۱ مورد مصوت «ب» و ۷۸ مورد مصوت «ل» تکرار شده است.

۲-۲-۲-سجع

«نگارنده... به حسب جبلت و تخمیر طینت، نسبت توارث به طب و طبابت دارد. از مبادی انکشاف صبح تمیز، همگی اوقات، مصروف جست و جوی نکات این علم شریف، مشعوف و گفت و گوی کلمات چنین فن منیف بوده. تتبع کناشات سابق و کنایات لاحق، پیش نهاد طبیعت و فطرت داشت. از وفور ممارست و مرور مداولت با وجود قلت بضاعت و عدم استطاعت الفاظ مستعمله و اسامی حکمای کامله و مصطلحه اطباء عالم و لغات عربیه و عجمیه، مستنبط از کتب معتبره مثل شفا و قانون...» (همان: ۲۴).

۲-۲-۱- سجع و جناس

«تتبع کنایات سابق و کنایات لاحق، پیش نهاد طبیعت و فطرت داشت. از وفور ممارست و مرور مداولت با وجود قلت بضاعت و عدم استطاعت الفاظ مستعمله و اسامی حکمای کامله و مصطلحه اطبای عالم و لغات عربیه و عجمیه مستنبط از کتب معتبره مثل شفا و قانون...» (همان: ۲۴)؛ این گونه عناصر موسیقایی، در مقدمه کتاب با بسامد فراوان به کار رفته است. سجع و جناس، باعث برجستگی برخی واژه‌ها، القای معانی ثانوی در ذهن خواننده و آرایش کلام می‌گردد و در انسجام متن، نقش بسیار اساسی ایفا می‌کند. «از دیدگاه هالیدی و حسن، عملکرد زبان، در ابتدا صوری و روساختی است و در نهایت، ژرف‌ساختی می‌گردد و به ساخت معنایی زبان تعلق می‌گیرد.» (خانجان و علی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹). کوروش صفوی، «تکرارهای واژگانی، کلامی و آوایی یا نحوی را توازن می‌نامد و آن را شگردی برای ایجاد نظم می‌داند» (ر.ک. صفوی، ۱۳۸۳: ۱۶۲).

در این کتاب ۴۰۱ مورد، تکرار آوایی و موسیقایی و تکرار واجی و نیز ۹۸ مورد تکرار انواع جناس مشاهده می‌شود.

۲-۲-۳- تکرار عین واژه

کاربرد گونه‌های تصریفی و یا تکرار عین کلمه، مستقیم‌ترین شکل انسجام واژگانی است. عبدالله شیرازی با پراکندن برخی کلمات در جای‌جای متن کتاب، هدف خاصی را دنبال کرده است و از این طریق می‌خواهد پیام مخصوصی را با یک محور اساسی به مخاطب خود برساند. «به‌قدر فهمیدگی و دریافت، اندکی از بسیار و بسیاری از شمار در سلک عبارت کشیده» (نورالدین شیرازی: ۲۶).

«آب، جسمی است، بسیط، گران، سرد و تر و شفاف و متحرک و اگر ساکن باشد، از مانعی باشد و جایش بالای زمین و در کرویت ناقص از جمیع عناصر و چون مشروب از سته ضروریه است. انسان و حیوان را به نوشیدن آن حاجت است و این حاجت نه از حاجتمندی به آب، بهر آن است که آب غذا است. چه هیچ جسم بسیط، غذا را نشاید و غذا نگردد؛ اما سبب حاجتمندی به آب، بهر آن است؛ که آب در معده با طعام بیامیزد و طعام به صحبت و بدرقه او در رگ‌های باریک بگذرد و به اندام‌ها رسد» (همان: ۲۷).

«بوذرحمهر: حکیم به ضم اوّل و سکون ثانی و فتح زای معجمه و سکون زای مهمله و جیم و کسر میم و سکون‌ها، وزیر نوشیروان و ختم حکمای جهان است و احوال و اوضاعش مشهور و معروف» (همان: ۱۴۳).

با توجه به ساختار کتاب قسطاس الاطبا که فرهنگ اصطلاحات پزشکی است، بیشتر حرف ربط «او» به کار رفته است. در این کتاب ۱۶۵ مورد تکرار عین کلمه در متن به چشم می‌خورد.

۲-۲-۴- هم معنایی

کاربرد دو یا چند کلمه هم‌معنی در یک متن، سبب انسجام و یکپارچگی می‌شود. معمولاً در هم معنایی، سازنده گره انسجامی در مرجع دو رکن، یکی است. این گونه تکرار در متن، سبب انسجام و اتصال بندها و جمله‌ها در کلام می‌شود.

«به‌قدر فهمیدگی و دریافت، اندکی از بسیار و بسیاری از شمار در سلک عبارت کشیده» (نورالدین شیرازی: ۲۶).

«آغار: به غین معجمه و الف، به پارسی به معنی نم و خیسیدن و آمیختن و سرشتن و برانگیختن و تحریک کردن و بر آغالیدن» (همان: ۲۹). حدود ۸۶ مورد کاربرد مترادف در متن کتاب به کار رفته است.

۲-۲-۵- با هم آبی

با هم آبی، نوعی انسجام واژگانی است که با گرد هم آمدن کلماتی با یک موضوع معین و مشخص که با هم تناسب داشته باشند. با هم آبی سبب انسجام متن می‌شود و در واقع در علوم بلاغی به‌عنوان آرایه مراعات‌النظیر و تناسب از آن ذکر شده است. «با هم آبی باعث ارتباط جملات متن و تناسب و استحکام درونی متن می‌شود. هالیدی و حسن، میزان باهم آبی واحدهای واژگانی را حاصل دو نوع رابطه، یکی با متن و دیگری با نظام زبانی ذکر می‌کند. واحدهای واژگانی به‌نظام زبانی وابسته هستند. بدین‌گونه شکل‌هایی از نزدیکی و مجاورت در نظام واژگانی هر زبانی وجود دارد که یکی از پیامدهای آن، تمایل کلمات معین به هم آبی است و عاملی دیگر در باهم آبی کلمات، بسامد هم‌نشینی آن‌ها است» (وفایی، ۱۳۹۶: ۳۷).

در این کتاب ۳۹۲ مورد، باهم آبی و تناسب به کار رفته است که دو، سه و گاهی چهار مورد در جمله‌های گوناگون به کار رفته است که از عوامل تأثیرگذار در ایجاد ارتباط بین جملات است. مثال:

«آب شَنک: [به] کسر شین معجمه و فتح نون و سکون کاف؛ یعنی آبزن و آن خشک است و تر. آبزن خشک می‌گیرند ظرف کلان، مثل ظرف گازران و پایانش با سر در فراخی برابر باشد و در اندرون او کرسی برای نشستن آدمی بنهند و سر آن ظرف را به پرده پیوشند به دو نصف و در میان، جایی که دو نصف به هم ملاقی است، سوراخی باشد به قدر آنکه گردن آدمی در او گنجد و در او مگاسی کنند؛ که در عمق و فراخی به قدر ظرف باشد. پس آن ظرف را مهیا سازند و بر دور او تا یک گز، زمین را کاواک سازند از جانب پایین تا از ظرف، یک وجب بگذرد و هرگاه که خواهند به گردش آتش کنند تا از گرمی به آن ظرف رسد؛ اما آن قدر نشود که به سوزش گراید. بعد از آن، آدمی در آن ظرف درآید و بر آن کرسی نشیند» (نورالدین شیرازی: ۳۰).

۲-۳- عناصر انسجام متن

در نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای مایکل هالیدی، انسجام متن به‌عنوان یک ویژگی مهم در ایجاد ارتباط معنایی و منطقی بین جملات، بندها و پاراگراف‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. انسجام پیوندی یکی از روش‌های اصلی ایجاد انسجام در متن است که به استفاده از عناصر ربطی یا اتصال‌ها برای ایجاد ارتباط معنایی و منطقی بین جملات و بندها اشاره دارد. این اتصال‌ها یا پیوندها می‌توانند به شکل‌های مختلفی در متن ظاهر شوند و به ایجاد ارتباط منطقی، زمانی، علی و تقابلی کمک کنند. «در نظریه هالیدی، ارتباط معنایی و منطقی جملات، بندها و پاره‌گفتارها، عامل اصلی و ضروری انسجام و یکپارچگی متن است. خلق و آفرینش متن بدون وجود این عامل، غیر ممکن است. به این نوع رابطه، انسجام پیوندی گفته شده است. انسجام پیوندی در متن با عوامل ربط شکل می‌گیرد. عوامل ربط، ابزارهایی هستند که موجب پیوستن جمله‌های متن می‌شوند. این عوامل در ابتدا و یا میان دو جمله مستقل قرار می‌گیرند و گاهی نیز رشته‌های وسیع‌تر از جمله مانند دو بند یا پاره متن را به هم پیوند می‌دهند. شرط انسجام‌بخشی عوامل ربط این است که در ابتدا یا بین دو جمله مستقل به کار روند و به عبارت دیگر، عواملی ربطی که جمله‌های پیرو را به جمله‌های پایه متصل می‌کنند؛

خاصیت انسجام بخشی ندارند. پرکاربردترین عوامل ربط در زبان فارسی، حروف ربط هستند؛ از قبیل اگر، چون که تا، اما و از نظر هالیدی این عوامل به چهار دسته تقسیم می‌شوند؛ (الف) رابطه افزایشی یا توضیحی؛ (ب) رابطه تقابلی یا خلاف انتظار؛ (ج) رابطه علی یا سببی؛ (د) رابطه زمانی» (نوروزی و غلامحسین زاده، ۱۳۸۷: ۱).

در کتاب قسطاس الاطبا که در واقع شرح و توصیف اصطلاحات پزشکی است، نویسنده، گاه به توصیف انواع بیماری‌ها، شرح حال اطبا و شیوه درمان بیماری‌ها پرداخته است. عوامل ربط در پیوند جمله و بندهای متن، نقش مهمی ایفا می‌کنند. عوامل ربط، شرح و توضیح مطالب را یکی پس از دیگری با نظم و ترتیب خاص به هم مرتبط می‌سازند. بر اساس نظریه انسجام هالیدی، روابط معنایی و منطقی بین جملات به چهار شیوه تقسیم می‌شوند:

۱- رابطه اضافی؛ ۲- رابطه خلاف انتظار؛ ۳- رابطه سببی؛ ۴- رابطه زمانی.

۲-۳-۱- رابطه اضافی

این نوع رابطه برای افزودن اطلاعات یا توضیحات بیشتر به جمله یا بند قبلی استفاده می‌شود. ارتباط اضافی می‌تواند به صورت موازی یا توضیحی باشد. در کتاب قسطاس الاطبا، هدف نویسنده توصیف و توضیح مطلب است و جملات بیشتر به شیوه توضیحی بیان شده‌اند. «عصب مجوف، جفت نخستین است و آن دو عصب‌اند که از دماغ رسته؛ یعنی در پیش دماغ و فزونی است. چون دو سر پستان که حس بوییدن بدان است. از همسایگی هر یک، عصبی بیرون آمده است، میان تهی که او را عصب مجوف گویند و تهی میان آن چنان است که سوزن باریک بدو بگذرد و آن عصب که از سوی راست رسته به سوی چپ آمده و آن که از چپ رسته به سوی راست آمده و هر دو به یکدیگر رسیده‌اند و به هم پیوسته، چنانچه تهی میان هر دو اندر هم گشاده شده و هر دو یکی گشته» (نورالدین شیرازی: ۴۷۰). در این مثال، جمله عصب مجوف، جفت نخستین است و... به توضیح و شرح عصب پرداخته است. «عَصُص: استخوان نشستگاه و آن مرکب است از سه فقره غضروفیه، یعنی سه استخوان نرم مانند غضروف، که نیست زیادتی در آن» (همان: ۴۷۴).

در مثال فوق، نویسنده از تشبیه برای ارتباط و انسجام متن استفاده کرده است. در این کتاب ۵۲۱ مورد از این نوع ارتباط به کار رفته است.

۲-۳-۲- رابطه خلاف انتظار

این نوع رابطه برای نشان دادن تضاد یا تفاوت بین جملات یا بندها استفاده می‌شود. این رابطه نشان می‌دهد که مطلب دومی که بیان می‌شود، به نوعی خلاف انتظار یا خلاف مورد اول است. این نوع ارتباط اغلب با نشانه‌های متنی «ولیکن، ولی، اگرچه، اما، هرچند، علی‌رغم و باوجود آن‌که» همراه است. «آن پرده غضروفی، سخت شفاف است و غلیظ. مختل به عضل حرکت مقله مایل، گوشت سفید چرب تا نرم می‌دارد چشم را و پلک را نیز پس خشک نمی‌کند به بسیاری حرکت و ملاقات هوا و این طبقه از سوی بیرون است نزدیک هوا، ولیکن چشم سپید چرب است با عضله‌هایی که حرکت چشم بدان است آمیخته.» (نورالدین شیرازی: ۴۴۴).

«حَصَبَه، به فتح اول و ثانی و موحد: دانه‌هایی است پهن شده شبیه به جدری؛ اما دانه-هاش به عدد کمتر است و آن قدر عمق ندارد.» (همان: ۲۳۷).
در این کتاب ۱۱۸ مورد از این نوع ارتباط به کار رفته است.

۲-۳-۳- رابطه سببی

این نوع رابطه برای بیان علت و معلول یا دلیل و نتیجه بین جملات یا بندها استفاده می‌شود. این رابطه نشان می‌دهد که یک جمله یا بند، علت یا دلیل جمله یا بند دیگری است. بیان علت:

«دیوجانش کلبی: در علم حکمت یگانه زمان بود و در اعراض دنیا مبالغه می‌نمود. روزی به پادشاه وقت گفت که: تو بنده بنده منی؛ زیرا که حرص و آز، زیردست من‌اند و تو زبون آنی.» (همان: ۳۰۳).

بیان نتیجه:

«رباطات: جسم‌هایی است شبیه به عصب نرم و سفید که از استخوان برمی‌آید و به استخوان دیگر متصل می‌شود تا او را بگرداند به هر طرفی که اراده شخصی باشد» (همان: ۳۰۹).

بیان شرط:

«رطوبت: کیفیت است در هر جسمی یا جرمی که اگر قوت ماسکه با وی باشد، از وی صورت‌ها آید و اگر قوت ماسکه با وی نباشد، شکل‌ها آید و زود مستحیل شود» (همان: ۳۲۱).

در کتاب قسطاس الاطبا ۱۵۳ جمله که ارتباط سببی با جمله‌های قبل و بعد خود دارند به کار رفته است.

۲-۳-۴- رابطه زمانی

این رابطه برای بیان ترتیب زمانی وقایع استفاده می‌شود. از واژگانی مانند «سپس»، «بعد»، «اول»، «در ابتدا و» نه «ایتاً» استفاده می‌شود.

«عوامل ربط زمانی، جمله‌هایی را که حاوی رویدادهای پی‌درپی هستند. به هم پیوند می‌دهد. در متون تاریخی، داستانی و به‌طور کلی متونی که ساختار روایی دارند. توالی زمانی حوادث و رویدادها، نقش مهمی در انسجام از متن بر عهده دارد. در صورت نبودن این نوع ارتباط، متن دچار آشفتگی می‌شود و با ساختار جدیدی مانند جریان سیال ذهن به وجود می‌آید. توالی زمانی و پیوند زمانی در متن به وسیله عوامل ربط زمانی محقق می‌شود. این عوامل به چهار نوع ترتیبی، هم‌زمانی، ارجاعی و انجामी تقسیم می‌شوند» (نوروزی، ۱۳۸۷: ۲-۱). گاهی هیچ نشانه‌ای بر وجود این ارتباط وجود ندارد و با توجه به محتوای جمله‌ها می‌توان به وجود چنین ارتباطی پی برد.

رابطه زمانی ترتیبی:

رابطه زمانی ترتیبی به معنای ترتیب و ارتباط زمانی میان وقایع یا رویدادها است که به ترتیب زمانی خاصی اتفاق می‌افتند یا رخ می‌دهند. این رابطه معمولاً با استفاده از واژگانی مانند "اولاً"، «سپس»، «بعد»، «در نهایت» و «آخرین» برای بیان ترتیب زمانی وقایع استفاده می‌شود تا بیانگر توالی رخدادها و یا وقوعات متوالی در طول زمان باشد.

«بتر: جدا شدن عضل است یا عصب یا رگ در عرض هر چیزی را که در عرض بشکافند؛ و نیز اطلاق می‌کنند بر شکافتن جلد از شریان و تعلیق نمودن او را به ضارات و بستن هر کدام از دو جانب او را به رشته ابریشم، سپس قطع کردن به دو نصف و نهادن بر او ادویه قاطعه دم» (نورالدین شیرازی: ۱۱۷).

رابطه زمانی هم‌زمانی:

«بستو: مَرطَبان کوچک و چوبی که بدان ماست بشورانند تا مسکه و دوغ از هم جدا شوند» (همان: ۱۳۰).

رابطه زمانی انجामी:

رابطه زمانی انجामी به معنای توالی زمانی بین دو فعل یا عمل است که به ترتیب انجام می‌شوند. این رابطه بیان می‌کند که کدام عمل ابتدا انجام می‌شود و کدام یک بعد از آن رخ می‌دهد؛ به عبارت دیگر، این رابطه نشان می‌دهد که یک فعل یا عمل از نظر زمانی دیگری را پیش می‌رود یا به تأخیر می‌افتد.

«خَمْر: شرابی است که پخته باشند افشردۀ انگور را با آب برابر و بجوشانند تا آنکه ثلث بماند و آن را مثل نیز گویند» (همان: ۲۶۵).

در کتاب قسطاس الاطبا ۳۵۱ جمله که ارتباط زمانی با جمله‌های قبل و بعد خود دارند به کار رفته است.

۳- نتیجه‌گیری

قسطاس الاطبا نورالدین محمد عبدالله شیرازی در زمینه پزشکی نگارش یافته و نمایانگر دانش پزشکی و زبانی دوره نویسنده است. این اثر از لحاظ محتوایی و ساختاری، دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا علاوه بر انتقال دانش پزشکی، بیانگر ساختارهای زبانی و سبک نگارش علمی دوره خود نیز است. با بررسی موارد انسجام دستوری و واژگانی در این کتاب، معلوم شد که در متن این اثر، شگردهای زبانی در حوزه‌های واژگان و نحو، سبب به وجود آمدن متنی منسجم شده و کاربرد عناصر واژگانی و دستوری، عامل انسجام و همبستگی در وحدت و یکپارچگی متن کتاب شده است؛ زیرا تنوع موضوع در شرح و تحلیل اصطلاحات پزشکی، سبب انسجام متن شده است.

در کتاب "قسطاس الاطبا"، عناصر واژگانی، به‌ویژه عنصر تکرار، به‌عنوان مهم‌ترین عامل در ایجاد انسجام و همبستگی متن شناخته شده است. تکرار لغات یا عبارات می‌تواند لحن و آهنگ نوشته را تحت تأثیر قرار داده و به متن یک ریتم خاص ببخشد. این تکرار می‌تواند به تأکید معنایی، ارتباط بین لفظ و معنی، پیوستگی متن و تقویت اثر آن کمک کند. این اصطلاحات به‌خوبی نشان می‌دهد که تحلیل واژگانی می‌تواند به درک عمیق‌تری از ساختار و مفهوم متن و همچنین به تقویت ارتباطات داخلی و انسجام آن کمک کند.

موسیقی کلام در مقدمه کتاب به‌عنوان یک عنصر مهم، سبب اثرگذاری بر روی خواننده شده است. این موسیقی کلام به‌واسطه استفاده از انواع و ترکیبات مختلف واژگانی، احساس و نظر خواننده را تحت تأثیر قرار داده و انسجام متنی را تقویت کرده است. علاوه بر این،

تناسب واژگانی بین کلمات مترادف و هم‌معنی نیز به‌عنوان یک عامل اساسی دیگر، در ایجاد انسجام متن کتاب مورد استفاده قرار گرفته است. این تناسب باعث شده است که مفاهیم و ایده‌ها به‌طریقی شفاف و قابل فهم به خواننده انتقال داده شوند و احساس انسجام و همبستگی

انسجام دستوری	انسجام واژگانی	عناصر انسجام	انسجام دستوری	انسجام واژگانی	عناصر انسجام	انسجام دستوری	انسجام واژگانی	عناصر انسجام
تعداد	درصد	تعداد	درصد	اضافی	۵۲۱	٪۴۵/۵۸		
حذف	٪۶۳/۹۳	تکرار	۶۳۴	٪۵۷/۰۱	خلاف	۱۱۸	٪۱۰/۳۲	
جایگزینی	٪۲۰/۴۹	باهم آبی	۳۹۲	٪۳۵/۲۵	سببی	۱۵۳	٪۱۳/۳۸	
ارجاع	٪۱۵/۵۶	هم معنایی	۸۶	٪۷/۸۳	زمانی	۳۵۱		
	٪۱۰۰		۱۱۱۲	٪۱۰۰		۱۱۴۳	٪۱۰۰	

در متن تقویت شود.

با توجه به اینکه متن کتاب، به جز مقدمه آن که موزون و مسجع است؛ یک متن مرسل و ساده است، متن، دارای محوری مرکزی است و اجزای کلام در نهایت، با هم مرتبط است. مرجع ضمیرها در جمله هم مشخص و هم محدود است و بدین ترتیب، ارجاع، عامل مهم دیگر انسجام در متن قسطاس الاطباء شده است.

نویسنده در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که عناصر انسجام در متن‌های ادبی و داستانی نسبت به سایر متون، کاربرد بیشتری دارند. در متن کتاب مذکور، عنصر انسجام دستوری با ۲۰۸۸ مورد نسبت به عنصر واژگانی با ۱۱۱۲ مورد، کاربرد بیشتری دارد.

در انواع عناصر انسجام دستوری، عنصر حذف با ۱۳۳۵ مورد (٪۶۳/۹۳) بیش‌ترین عامل انسجام به خود اختصاص داده است که از بین انواع حذف، حذف فعل ۷۶۷ مورد و حذف اسم ۲۲۱ مورد، حذف نهاد ۲۴۴ مورد و حذف جمله ۴۵ مورد و حذف مضاف‌الیه ۵۸ مورد کاربرد دارد. جایگزینی با ۴۲۸ مورد (٪۲۰/۴۹) در اولویت دوم عناصر انسجام متن مذکور قرار گرفته و ارجاع با ۳۲۵ مورد کاربرد (٪۱۵/۵۶) نیز در اولویت سوم قرار گرفته است.

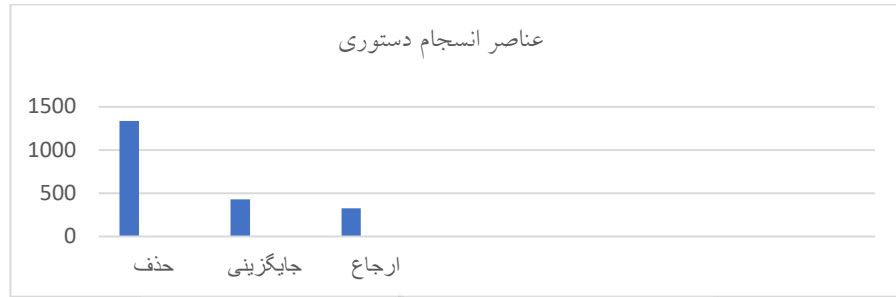
از میان عناصر واژگانی، عنصر تکرار، مهم‌ترین عناصر انسجام متن است که آهنگ متن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب پیوستگی و تأکید در متن می‌شود. با بررسی این پژوهش

مشخص گردید که در سراسر متن، انسجام به چشم می‌خورد و از بین انواع عناصر انسجام واژگانی، عنصر تکرار با ۶۳۴ مورد (۰/۵۷ / ۱) بیش‌ترین عامل انسجام و هم‌معنایی با ۸۶ مورد (۰/۷ / ۷۳) کمترین عامل انسجام را در متن دارد.

جدول فراوانی عناصر انسجامی در نسخه خطی قسطاس الاطباء نورالدین محمد عبدالله شیرازی بر اساس

نظریه هالیدی

نمودار عناصر انسجام دستوری

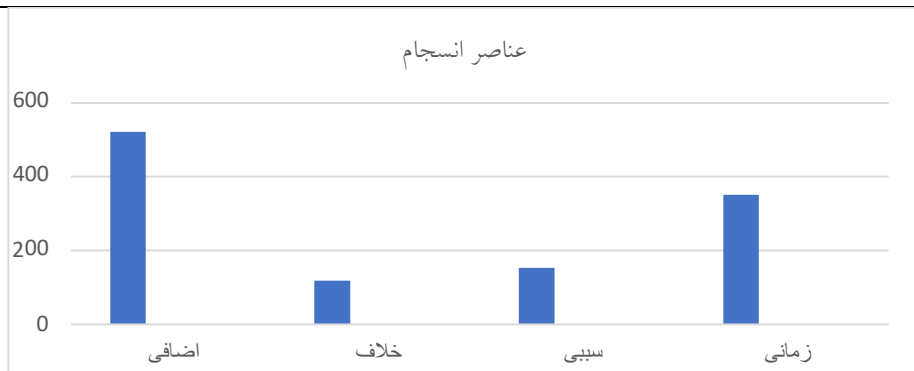


نمودار عناصر انسجام واژگانی



نمودار عناصر انسجام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

کتاب‌ها

- ۱- افراسیابی پور، محمد، (۱۳۹۳)، قسطاس الاطباء، نورالدین محمد شیرازی، پزشک ایرانی تبار دربار هند در عصر صفوی، ندا: شیراز.
- ۲- _____، (۱۳۹۳)، قسطاس الاطباء اثر نورالدین محمد شیرازی، پزشک ایرانی تبار دربار هند در عصر صفوی، مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- ۳- آقاگل زاده، فردوس، (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- ۴- ایشانی، طاهره، (۱۳۹۵)، نظریه انسجام و پیوستگی و کاربست آن در تحلیل متون (غزل حافظ و سعدی)، تهران: انتشارات دانشگاه خوارزمی.
- ۵- داد، سیما، (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
- ۶- شفیعی، احمد، (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، تهران: اساطیر.
- ۷- صفوی، کوروش، (۱۳۸۳)، از زبان‌شناسی به ادبیات، جلد ۱، نظم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر.
- ۸- _____، (۱۳۸۲)، معنی‌شناسی کاربردی، تهران: همشهری.
- ۹- مهاجر، مهران و نبوی، محمد، (۱۳۷۶)، به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: مرکز.
- ۱۰- نورالدین محمد شیرازی، نسخه خطی قسطاس الطبّاء، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، شماره ۵۴.
- ۱۱- هالیدی، مایکل و رقیه حسن، (۱۳۹۵)، زبان، بافت و متن (جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی نشانه‌شناختی)، ترجمه منشی زاده و ایشانی، تهران: علمی.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- ۱- افراسیابی پور، محمد، (۱۴۰۲)، «بررسی ویژگی‌های سبکی کتاب قسطاس الاطباء نورالدین محمد بن عبدالله شیرازی»، بهار ادب، شماره ۳۸: ۱۰۳-۹۱.
- ۲- برومندی، ندا، (۱۳۹۱)، «تصحیح بخش دوم نسخه خطی قسطاس الاطباء اثر نورالدین محمد عبدالله شیرازی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما سید مهدی خیراندیش، دانشگاه پیام نور.
- ۳- خیراندیش، سید مهدی و برومندی، ندا، (۱۳۹۵)، «بررسی جایگاه نورالدین شیرازی طیب مؤلف در هند»، همایش بین‌المللی شرق‌شناسی و مطالعات ایرانی علیگر هند.
- ۴- زارع کهن، معصومه، دانشگر، آذر، (۱۳۹۶)، «بررسی هنجارگریزی زمانی در مجموعه داستان‌های غزاله علیزاده، (از کتاب با غزاله تا ناکجا)»، فصلنامه تخصصی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، شماره ۳۴: ۲۰۲-۱۷۹.
- ۵- عباسی، محمود و همکاران، (۱۳۹۲)، «انسجام واژگانی در متن سورئالیستی بوف کور بر پایه نظریه هالیدی و حسن»، نشریه جستارهای زبانی، شماره ۴: ۳۰۸-۲۸۳.
- ۶- عجمی، رقیه و همکاران، (۱۴۰۲)، «بررسی ویژگی‌های سبک ادبی کتاب بیتال عجم از منظر علم بیان»، جستارنامه ادبیات تطبیقی، شماره ۲۵: ۳۸-۱.
- ۷- غلامحسین‌زاده، غلام‌حسین و حامد نوروزی، (۱۳۸۷)، «نقش ارجاع شخصی و اشاره‌ای در انسجام شعر عروضی فارسی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۹: ۱۳۸-۱۱۷.
- ۸- قنبر، داوود و همکاران، (۱۴۰۱)، «تحلیل ساختاری و گفتمانی آغازگرها در فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب بر اساس نظریه هالیدی»، جستارنامه ادبیات تطبیقی، شماره ۲۱: ۲۴-۱.
- ۹- وفایی، عباسعلی، اسپرهم، داوود، (۱۳۹۶)، «بررسی انسجام و روابط واژگانی در داستان گیومرت»، متن‌پژوهی ادبی، شماره ۷۳: ۵۲-۲۹.